

# زلف پریشان' یا جست و جوی معمای «من» در رمان

نگاهی به رمان و رمان نویس از منظر شهید سیدمرتضی آوینی

معصومه  
خسروشاهی

روزنامه‌نگار

سال‌ها قبل از این که تیراژ دل خوش کنگ و چاپ‌های صدم و هزارم کتاب‌ها دل مدیران فرهنگی را آرام کند که خدا را هزار مرتبه شکر ادبیات انقلاب اسلامی هم مخاطب دارد و همه‌گیر است؛ شهید سیدمرتضی آوینی (مقصود نگارنده همان شهیدی است که هر سال ۲۱ فروردین ژانر جدیدی در باب واکاوی گذشته‌ها و اختراع می‌شود و نوشته‌هایش بازهم ناخوانده باقی می‌ماند.) در مقاله «رمان و انقلاب اسلامی» به موضوع ادبیات داستانی و به خصوص رمان می‌پردازد. او قبل از وقوع بحران، آن را پیش‌بینی می‌کند. با وقوع انقلاب اسلامی مسیری در هنر آغاز می‌شود که نیازمند استادی است که او را از خطرات راه، آگاه سازد. به اذعان بیشتر اهل ادب، رمان انقلاب اسلامی، تاکنون نتوانسته به جایگاهی که شایسته آن است، دست پیدا کند. سیدمرتضی آوینی در این مقاله اساسی‌ترین عناصری که ادبیات نوین انقلاب اسلامی باید از آن بهره‌مند باشد را تعریف می‌کند. شاید بازخوانی این مقاله بتواند، پیرایه‌های بسته شده بر پیکره رمان امروز را بزدايد و نگاه اصیلی به نویسندگان ارائه کند.

مقاله با يك پرسش آغاز می‌شود. آیا رمان فضایی برای انکشاف معمای «من» است؟ و درحقیقت آیا این بستر جایی برای بر ملا ساختن راز هستی است؟ این ادعای بزرگی است که بسیاری از نویسندگان بزرگ زیر بار آن نرفته‌اند. نمی‌توان نادیده انگاشت که نویسنده يك رمان، تمام تلاشش را صرف کشف و جست‌وجوی خود می‌کند، اما نکته این است که تا چه اندازه می‌تواند موفق از این معرکه خارج شود.

به محض صحبت درباره پرسش، از نکته بزرگی غافل می‌شویم. آیا اساساً نویسنده‌ای که پرسشی نداشته باشد، می‌تواند رمان بنویسد؟ فارغ از آن که این پرسش چیست و چگونه مطرح می‌شود. کسی که بدون تمنای جست‌وجویی راه خود در يك داستان را آغاز می‌کند به کجا خواهد رسید؟ آیا او می‌تواند دست مخاطب را بگیرد و از جوشش توفانی درونش برای او حکایت کند؟ در این صورت واضح است که خیر.

امردومی که در جریان پرسش با او روبه‌رو می‌شویم، موضوع آن است؟ زمانی که رمان نویس

نمی‌داند در چه موقعیتی قرار دارد و در جست‌وجوی چیست، چگونه می‌تواند «وضع» را روایت کند؟ اینجاست که مواجهه با پرسش هستی اولین قدم برای رهایی نویسنده از دام توهم است: نویسنده می‌پرسد، قبل از آمدن به این دنیا کجا بوده است؟ سیدمرتضی آوینی به درون معرکه می‌رود، خواننده را به تفکر درباره «کافکا»، «مسخ» و «قصر» و «محاکمه» فرامی‌خواند. او همچنین یاد می‌دهد که چگونه می‌توان رمان خواند و جهان نویسنده را کشف کرد. مهم‌ترین موضوع درک وسعت منظور رمان نویس است. شهید آوینی همچنین نویسنده را دعوت به اندیشه می‌کند. برای مثال، شهید آوینی معتقد است در آثار کافکا با این پرسش روبه‌رو هستیم که وقتی عوامل بیرونی این جهان، آن‌قدر قدرتمند هستند که دیگر آزادی و اختیار انسان معنا ندارد، چه راهی پیش پای بشر است؟ نشان دادن وضعیت جهنمی بشر در نظم مدرن، تنها در رمان قابلیت حکایت دارد و نه از عهده فلسفه برمی‌آید و نه از هیچ هنر دیگری.

در این میان هنوز هم گرایش‌هایی وجود دارند که شاید نه حوصله خواندن رمان دارند و نه حوصله نوشتن اما از قرار روزگار، گذرشان به این محل افتاده و بیشتر از توجه به دنیای نویسنده و حرفی که او تلاش دارد از اعماق بی‌قرار خود بیرون بکشد، بیشتر به تصویر روی جلد و معماهای پیچیده‌ای که خود طرح کرده‌اند، توجه می‌کنند.

در این ۴۰ سال که از انقلاب اسلامی گذشته، پرسش‌های زیادی درباره نویسنده و ادبیات تراز انقلاب اسلامی مطرح شده است. عده‌ای آن را دست‌نیافتنی دانسته چون معتقدند رمان، جانمایه‌ای غربی دارد و ما می‌بایست، گونه ادبی جدیدی برای خود دست و پا کنیم. با اندکی تأمل درمی‌یابیم که تمام این بحث‌ها و درگیری‌های نظری بی‌نتیجه، راهی پیش پای ادبیات مانگشوده که هیچ، موجب سرگردانی جوانان تازه‌وارد هم شده است. شاید زمان این است که بار دیگر، با دقت به مقوله ادبیات داستانی به خصوص رمان نظر کنیم و این موضوع بسیار مهم که همیشه سعی به فراموشی سپردنش داشته‌ایم را بار دیگر به خود یادآور شویم. در همین رابطه در این مقاله می‌خوانیم:

«کافکا چگونه کافکا شده است؟ مسلماً او نخست با جهان پیرامون خویش یکی شده و بعد، از آن فراتر رفته است. دیگر آن که برای کافکا «نوشتن» چیزی هم‌شان «نفس کشیدن» است و به عبارت بهتر چیزی هم‌شان «زیستن»... آقای کاف در «قصر» و «محاکمه» چه کسی جز خود اوست؟ مگر نه آن که دنیای تمثیلی و ساده شده همین جهانی است که با تمرکز تدریجی قدرت و ایجاد يك نظم جهنمی صنعتی و دیوان‌سالارانه ما را احاطه کرده است؟» در این نگاه، نویسنده برآمده از متن دنیایی است که قرار است از آن حکایت کند. قلم او از چیز موهومی که برایش غریبه است و هیچ درکی نسبت به آن ندارد، نمی‌نویسد. شاید یکی از مهم‌ترین معضلات ادبیات داستانی ایران و ادبیات انقلاب اسلامی، بیگانگی نویسنده با موضوعی است که آن را حکایت می‌کند. او نه سوزش را می‌شناسد و نه دغدغه شناخت آن را دارد. همان‌طور که اشاره شد، در این میان هم، هر از چندگاهی سروکله عده‌ای داستان‌ستیز پیدا می‌شود و بی‌مخاطب بودن داستان را به گردن بومی نبودن ریشه آن می‌اندازند و تصمیم می‌گیرند راه تازه‌ای آغاز کنند. آغاز راهی نو، ایرادی ندارد. اما تخریب بنایی که می‌تواند رکن مهم ادبیات انقلاب اسلامی باشد، مساله‌ای قابل چشم‌پوشی نیست.

از میلان کوندرا<sup>۲</sup> می‌گوید که رمان دست‌آورد اروپاست و انسان



**چشم‌اندازی که شهید آوینی برای آینده ادبیات انقلاب اسلامی ترسیم می‌کند، منوط به تحول معنوی به معنای «کیفیت حضور انسان در عالم» است. او به شدت با تصور این که رمان معاصر، مانند آب در پیاله است و شبیه ظرفش می‌شود و بنابراین به راحتی يك رمان محتوای تفکر معنوی را می‌پذیرد؛ مخالف است. چرا که «رمان نویس چیزی جز تجربیات حیاتی خویش که چگونگی حضور او در عالم را تعیین می‌بخشند نمی‌نویسد؛ نمی‌تواند بنویسد.»**

جدید در این دستگاه، مجبور به رعایت نظمی موربانه‌وار شده است. این زندگی مدرن، همه را به هم شبیه کرده است و موضوعات داستان‌ها و مقالات همه مشترک هستند. در ادامه سیدمرتضی آوینی نتیجه می‌گیرد، از آنجا که رمان، روایتی از چگونه بودن انسان است، پس چاره تحول رمان در تحول «من» است. فراگیری رسانه‌های همگانی و تلاش آنها برای يك شکل کردن فرهنگ‌ها و ایجاد بحران در زبان دغدغه شهید آوینی است و او به عنوان مثال کلمه‌ای مثل «ایثار» را بیان می‌کند که پس از جنگ در رسانه‌های عمومی کم‌کم از معنا تهی شد و جز پوسته‌ای از آن باقی نماند. از آنجا که رمان بر پایه زبان بنا می‌شود، بحران زبان به ادبیات هم سرایت می‌کند.

چشم‌اندازی که شهید آوینی برای آینده ادبیات انقلاب اسلامی ترسیم می‌کند، منوط به تحول معنوی به معنای «کیفیت حضور انسان در عالم» است. او به شدت با تصور این که رمان معاصر، مانند آب در پیاله است و شبیه ظرفش می‌شود و بنابراین به راحتی يك رمان محتوای تفکر معنوی را می‌پذیرد، مخالف است. چرا که «رمان نویس چیزی جز تجربیات حیاتی خویش که چگونگی حضور او در عالم را تعیین می‌بخشند نمی‌نویسد؛ نمی‌تواند بنویسد.»

جالب اینجاست که در پایان سیدمرتضی آوینی متذکر می‌شود این مساله تنها به رمان اختصاص ندارد و در سایر هنرها هم صدق می‌کند اما دریغ که با گذشت ۲۸ سال از نگارش این مقاله، هنوز درگیر پیاله‌ایم. شهید آوینی تلاش دارد با يك مثال هنرمندان جبهه انقلاب متوجه شوند راه سختی را پیش رو دارند. او هنرمندان را به مثابه رسولان انقلاب می‌داند که می‌بایست مبعوث شوند و طبیعتاً این راه به آسانی پیموده نمی‌شود. دستیابی به جوهر رمان وظیفه اصلی نویسنده است. نویسنده‌ای که تحول معنوی انقلاب اسلامی را به جان آزموده است.

## پانوشته‌ها:

۱. در این مقاله شهید آوینی از شعر «از خلاف آمد عادت بطلب کام که من / کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم» استفاده کرده است.
۲. از مجموعه مقالات کتاب رستاخیز جان، نشر واحة، تهران، ۱۳۹۰
۳. Franz Kafka. فرانتس کافکا، نویسنده آلمانی زبان اهل چک، «قصر»، «محاکمه»، «مسخ» از آثار اوست.
۴. میلان کوندرا، رمان نویس، «بار هستی» از مهم‌ترین آثار اوست.

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت منطقه‌ای معادن آذر بایجان (سهامی خاص)**  
به شماره ۲۷۴۲-۲۰۵۴ و شناسه ملی ۱۰۲۰۰۰۹۱۳۲۰ نوبت اول

بدینوسیله از سهامداران محترم دعوت به عمل می‌آید  
راس ساعت ۱۶ روز چهارشنبه ۱۳۹۸/۰۱/۲۸ در محل دفتر مرکزی شرکت به آدرس: تبریز- خیابان آزادی- خیابان ملت- جنب تاکسیرانی- ساختمان معادن، طبقه همکف به کدپستی: ۵۱۷۵۷۵۴۸۸۳ حضور بهم رسانند.

**دستور جلسه:**

- ۱- طرح و تصویب ترازنامه، سود و زیان و عملکرد شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹
- ۲- انتخاب هیات‌مدیره شرکت
- ۳- انتخاب بازرس قانونی
- ۴- نقل و انتقال (خرید و فروش) سهام سهامداران شرکت

**هیات‌مدیره شرکت منطقه‌ای معادن آذر بایجان**

